

ایران در زمان

داریوش بزرگ

(رویدادها و وقایع مهم در زمان داریوش)

سعید قانع

سرشناسه : قانع، سعید، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور : ایران در زمان داریوش بزرگ (رویدادها و وقایع مهم در زمان داریوش) / سعید قانع.
مشخصات نشر : تهران: آدینه سبز، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۳۳۵ ص.: مصور.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۴۵-۷۷-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : داریوش هخامنشی اول، شاه ایران، ۵۵۰ - ۴۸۵ ق.م.
موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق.م
موضوع : ایران -- شاهان و فرمانروایان -- تاریخ
رده بندی کتب : ۱۳۹۲ ۹۱۳ الف ۲ق / DSR۲۵۱
رده بندی دیویی : ۹۸۱/۰۱۵
شماره کتابشناسی : ۳۳۱-۷۳



آدرس: تهران خیابان انقلاب خیابان رازی کو شهید ماستری فراهانی پلاک ۲۷

نام کتاب	ایران در زمان داریوش بزرگ
نویسنده	سعید قانع
ناشر	آدینه سبز
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۳
چاپ	الهادی
تیراژ	۲۰۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۷۴۵-۷۷-۰
آدرس الکترونیکی	Adinesabz.com

تمامی حقوق این اثر برای ناشر محفوظ می باشد.

تلفن: ۶۶۹۷۵۹۳۹/۴۰ - همراه: ۰۹۱۲۵۰۱۰۰۹۵

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فهرست مندرجات

۷	ایران در زمان هخامنشیان
۱۴	کورش کبیر - بنیانگذار شاهنشاهی در ایران
۴۰	پادشاهی داریوش بزرگ
۴۲	سلطنت داریوش
۴۳	نوشته‌های داریوش
۵۰	نام و نسب داریوش اول
۵۱	اوضاع ایران
۵۱	مندرجات کتیبه بزرگ بیستون
۶۷	کشفیات نوین
۷۰	زمان شورشها
۷۰	کارهای دیگر داریوش
۷۲	جلوگیری از شورش در آسیای صغیر
۷۶	جلوگیری از اغتشاش مصر
۷۸	اسناد مصری
۸۴	لیبیا از نظر هرودوت
۸۷	تشکیلات داریوش
۹۰	رفتن داریوش به اروپا
۱۰۰	سکائیه از نظر سوق الجیشی
۱۰۱	داریوش و سکائیه
۱۱۹	رفتن داریوش به سکائیه
۱۲۳	تسخیر تراکیه، مقدونیه و جزایر بحرالجزائر
۱۳۲	تسخیر جزیره سانس
۱۳۵	تسخیر قسمتی از هند

۱۳۷	توصیف هندی‌ها به قلم هرودوت
۱۴۲	شورش مستعمرات یونانی و کاریه و قبرس
۱۴۴	یاغیگری آریستاگر
۱۵۱	شورش مستعمرات یونانی
۱۵۷	تسخیر مجدد دیونیه و کاریه
۱۵۸	سقوط می‌لث
۱۶۱	قلم هیش تیه
۱۶۲	خاکه شورش‌ها
۱۶۳	سلاطین داریوش در مستعمرات یونانی
۱۶۴	تسخیر تراکیه و تدونیه
۱۶۶	جنگ با یونان
۱۶۹	مقدّمات جنگ یونان
۱۷۰	کُلِ اُمْن و دِمَاراث
۱۷۴	اولین برخورد ایران با یونان
۱۷۸	جدال ماراثن
۱۸۲	چگونگی نوشته‌های هرودوت
۱۸۷	روایت دیودور
۱۸۸	پس از جدال ماراثن
۱۸۹	شورش مصر
۱۹۱	مسئله ولایتعهدی
۱۹۳	اغتشاش‌ها و دفع شورشیان
۱۹۹	اداره کشورهای تحت فرماندهی داریوش
۲۰۴	قوانین جدید در اقتصاد
۲۰۶	داد و ستد و تجارت
۲۱۰	مالیات و وام‌ها در دوره هخامنشیان
۲۱۱	مراوده‌های بازرگانی
۲۱۳	مصر در زمان داریوش
۲۱۵	کتیبه داریوش
۲۱۹	کارهای مهمی که داریوش در زمان سلطنتش انجام داد
۲۲۳	خصال داریوش

۲۲۶	وصیت‌های داریوش به خشایارشا
۲۳۰	آرامگاه داریوش و کاخ‌های بزرگ
۲۳۰	گنجینه هنرهای زیبای ایران
۲۳۰	۱- کاخ آپادانا
۲۳۴	۲- کاخ صد ستون
۲۳۸	۳- کاخ تچر
۲۳۹	۴- کاخ هشد
۲۴۲	ستون مازی
۲۴۴	تاری
۲۴۴	پیکر تراش
۲۴۵	ریزه کاخ
۲۴۷	رنگ آمیزی معابد ساسانی
۲۴۹	دفینه‌های تخت جمشید
۲۶۱	از کتیبه آسور بانییان در نیر
۲۶۲	از کتیبه کوروش بزرگ در ممدیه
۲۶۲	از کتیبه بیستون
۲۶۳	از کتیبه نقش رستم
۲۶۳	از کتیبه تخت جمشید
۲۶۳	از کتیبه شوش
۲۶۵	وقایع مهم در زمان پادشاهی داریوش
۲۷۶	حمله داریوش بزرگ به قصد سرکوبی سیت‌ها
۲۷۸	خط سیر و حرکت
۲۷۹	جنگ بر ضد سکایی
۲۸۰	نتیجه این لشکرکشی
۲۸۱	داریوش بزرگ و تسخیر قسمتی از هند
۲۸۳	شورش در مستعمرات آسیای صغیر
۲۸۴	علل لشکرکشی داریوش به یونان
۲۸۵	علل جنگی این جنگ
۲۸۷	تشکیلات سپاهی و نظامی داریوش در حمله به یونان
۲۸۸	فتوحات داریوش در یونان پیش از لشکرکشی

۲۹۰	نبرد بزرگ ماراتن
۲۹۴	شورش مجدد در مصر
۲۹۷	اقدامات داریوش بزرگ از لحاظ تشکیلات نظامی و اداری
۳۱۱	سلاح و سایر تجهیزات ارتش داریوش بزرگ
۳۱۷	تصاویر
۳۳۴	منابع و مأخذ

www.ketab.ir

ایران در زمان هخامنشیان

در حدود یک هزار سال پیش از میلاد هنگامی که قبایل ماد زادگاه اولیه خود را که در بین روستای ری و جیحون قرار داشت ترک نموده وارد قسمت شمال شرقی ایران شدند. طوایف پارس نیز همراه با آنان و یا بعداً به راه افتاده در طول سلسله جبال البرز حرکت کردند تا آن که از شمال ایران گذشته و وارد منطقه‌ای شدند که امروز به نام آذربایجان خوانده می‌شود. مادها در اوایل مهاجرتشان در جنوب و جنوب شرقی دریاچه ارومیه اقامت داشتند، لیکن پارس‌ها (پارسوا) پس از مدتی از نواحی ارومیه به سوی جنوب و جنوب غربی ایران رهسپار شدند و در سرزمین‌هایی که بعداً به نام پارس نامیده شد متمرکز گشتند.

در خلال این مهاجرت‌های اولیه چون از این دو قوم هیچ گونه یادکرد و کتیبه‌ای به جای نمانده است به همین جهت از تاریخ دقیق نقل و انتقالات آنان مدرکی در دست نیست، ولی بعدها در سالنامه‌های آشوری علاوه بر مادها از آنان نیز نام برده شده است.

پارسی‌ها در آغاز قرن هفتم پیش از میلاد در قسمت غربی کوه‌های بختیاری و مغرب شوشتر و حوالی رود کارون و اراضی ایلام که بعدها به نام ناحیه پارسوا نامیده شده بود مستقر شدند.

اولین بار که نامی از قبایل پارس در کتیبه‌ها برده شده در حدود سال ۸۴۴ پیش از

میلاد است که شالمانزر سوم پادشاه آشور بر ناحیه پارسوا تاخت و آنان را مجبور به دادن باج و خراج نمود.

همچنین در ۸۳۶ پیش از میلاد نیز آشوری‌ها توانستند مجدداً مناطق پیارس نشین را متصرف شوند، لیکن این بار حکومت آنان بر نواحی متصرفی دوامی نیافت زیرا منشواش (Menshuash) پادشاه اورارتو آن‌ها را از این مناطق بیرون راند و مجدداً تسلط اورارتوها را بر آن ناحیه برقرار ساخت.

مسلطه اورارتوی زمان آشوری‌ها که اقوام پارسی در همسایگی آنان سکونت داشتند در واقع همان محل ارمنستان زمان هخامنشیان است که شامل محدوده‌ای می‌شده که از طرف غرب به آناتولی و از شرق به دریای خزر و از شمال به دریای سیاه و رود ارس می‌رسید و بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که پارسی‌ها به جهاتی که بر ما روشن نیست از جنوب دریاچه ارومیه به سوی ایلام و جنوب غربی فلات ایران روی آورده و در مناطقی که بعداً به نام پارس نامیده شده سکونت اختیار نمودند، دسته دیگری این نواحی را در نواحی ایلام باقی ماندند که به نام پارسوماش نامیده می‌شدند.

برخی از محققین علت تخلیه ناحیه پارسوا را از طرف اقوام پارسی به جهت تسلط و فرمانروایی پادشاهان اورارتو می‌دانند و می‌گویند پارسی‌ها نمی‌خواستند خراجگذار و مطیع آنان باشند. بنابراین به تدریج می‌پرسند که از همسایگی و مجارت کشور اورارتو خود را خلاص نموده و در منطقه‌ای که می‌دانستند واقع در شرق و شمال شرقی شوش (Susiana) اقامت گزینند (۷۰۰ پیش از میلاد).

بدیهی است پارسی‌ها و اورارتوها در مدت همسایگی خویش در چار و یکدیگر تا حدودی که مقتضیات اجازه می‌داده است هر دو قوم از فرهنگ و هنر و تمدن یکدیگر بهره‌مند شده و اطلاعات فراوانی به دست آورده بودند. این جمله که نشان تقلید و نفوذ هنری اوراتوئیان در پارس‌ها می‌باشد تا حدود مختصری در بناهای

اوایل زمان هخامنشی مشاهده می شود.^۱

از علایم و نشانه های مشخص تأثیر نفوذ جبری اورارتو در بناهای اوایل دوران هخامنشی ها که به هیچ وجه با ساختمان های سنگی و معابد آشور و بابل مشابهت

۱. در ناحیه مسجد سلیمان و بردی نیشانده (BARDI-NISHANDEH) بقایای دو ساختمان بزرگ که در دامنه پاتاق ساخته شده متعلق به زمان سلطنت تیس پس و یا پادشاهان پیش از وی می باشد. این دو بنای کهن در قسمت جنوب شرقی ناحیه تاریخی پارسوماش واقع بودند. بنایی که مسجد سلیمان و مرکز نفت خیز قرار داشته مدت ها تصور می کردند که آتشکده ای می باشد در این مورد اشتراک من چنین توصیف کرده است:

در نتیجه بررسی مردم شناسی شده است که این بنا زمانی محل سکونت شاهزادگان پارسی بوده و هنوز ایوانی را در آن می توان مشاهده نمود که از سه قسمت تشکیل یافته و دیوارهای آن از سنگ های عظیمی ساخته شده که این ملات کار گذاشته اند و شبیه است به آنچه که در اصطلاح به سیکلومین معروف است که به حوطه مزبور به کمک پشتوانه ها و فرورفتگی های چندی ساخته شده و از قرار معلوم ساختمان آن در اصل به منظور دفاع در مقابل دشمن طرح ریزی گردیده است.

پنج رشته پلکان که پهنانی یک رشته از آن پیش رو می بارد می باشد به ساختمان مزبور منتهی می گردید این نوع ساختمان اختصاصاً برای تزیین سطح ابداع شده و ایلامی و بابلی ها و آشوری ها و حتی ساکنین اصلی این منطقه هم به این ساختمان آشنایی نداشتند. تنها کشوری که در آن وقت با ایران همسایه بود و مردم آن عیناً این دیوار سازی را در ساختمان های خود بسیار زیاد به کار می بردند همان کشور اورارتو بوده است.

مردم اورارتو هنگامی که در مغرب دریاچه ارومیه زندگی می کردند از هر سالان بسیار نزدیک (دیوار به دیوار) پارسی ها بوده و حتی آن ها را به تبعیت خویش درآورده بودند. لذا می توان بنای مسجد سلیمان را به پارسی ها نسبت داد سطحه تاریخی در بردی نیشانده که در دامنه های ۱۵ میلی شمال غربی قرار دارد از نظر ساختمان نیز مشابه بنای مسجد سلیمان است. ممکن است اولین شهرهایی که شاهنشاهان هخامنشی بنا نموده باشند در همین دو محل باشد و بنا به همین نظریه ابنیه مزبور را به عنوان «اجداد» آثار عظیم پرسیولیس می دانند. کتاب گیرشمن صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵.

ندارد. در مرحله اول باید آرامگاه کوروش را در پاسارگاد و بقایای ساختمان گور دختر را در نزدیکی سرمشهد کازرون نام برد. چنان که می دانیم از تاریخ ورود پارسی ها به سرزمین ایران که یکی از تیره های قوم آریایی نژاد بودند اطلاع دقیقی در دست نیست بنا به احتمال قوی می توان گفت که پارسی که در آغاز قرن هفتم پیش از میلاد در نواحی اراضی ایلام و حوالی رودخانه کارون و کوه های بختیاری که به نام پارسواش نامیده می شده سکونت اختیار نموده بودند و در همین زمان است که هخامنش (سر دودمان سلسله هخامنشی) دارای حکومت محلی بوده و از طایفه پارسی و بازارگادی ها به شمار می رفته است.^۱ پارسی ها پس از ورود به مناطق کوهستانی واقع در شرق و شمال شرقی شوش که به نام پارسوماش نامیده می شده هخامنش را به سردگی نمود برگزیدند و سپس سایر پادشاهان پارسی وی را سر دودمان خود شناختند و با عنوان جد اعلای سلسله هخامنشیان ملقب گشته و از همین رو است که نام این سلسله به نام سلسله هخامنشی نامیده اند. طبق تحقیقاتی که شده است بعد از براندازی هخامنش (۷۰۰-۶۷۵ پیش از میلاد)، چیش پش و کمبوجیه و چیش پش دوم پس از انشان و سرزمین های ایلام پادشاهی نموده اند و با عنوان شاه انشان به قوم پارس استقلال داده بودند.

بعد از مرگ چیش پش (حدود ۶۴۰ پیش از میلاد) در تیره از اولاد وی در نواحی انشان و پارس به سلطنت رسیدند، دو فرزند چیش پش به نام آریارمن و کوروش اول حوزه متصرفات پدر را بین خود تقسیم نمودند و هر یک در بخش خویش به حکمفرمایی پرداختند. آریارمن پسر کوچک تر چش پش بود و به پاسارگاد پادشاهی ناحیه پارس انتخاب گردید و به نام «شاه شاهان پارس» نامیده شد. پسر بزرگ وی کوروش را با لقب «شاه بزرگ» نام برده اند، زیرا بر شهرهای پارسوماش و انشان حکمروایی می نمود.

از آریارمن لوحه ای زرین که شامل کتیبه ای مشتمل بر ده سطر با متن پارسی

۱. گزنفن در کتاب تربیت کوروش فصل دوم عده طوایف پارسی را ۱۲ طایفه ذکر کرده است.

باستانی می باشد از محل تپه هگمتانه در حدود ۷۰ سال پیش کشف شده که بر طبق عقیده آقای دکتر ر. گیرشمن باستان شناس فرانسوی لوحه مزبور قدیمی ترین اثر تاریخی کشف شده از دوران هخامنشی شناخته شده و ترجمه مفاد آن به شرح زیر می باشد:

«آریارمن شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه پارس، پسر چیش پش شاه، نوه هخامنش آریارمن شاه می گوید، این کشور پارس که من دارم و دارای اسب های خوب و مردان نیک است اهورامزدا آن را به من عطا فرموده است، از مرحمت اهورامزدا، من شاه این کشورم، آریارمن شاه می گوید، اهورامزدا مرا یاری کند.» این لوح متعلق به موزه برلین می باشد. ۱ پس از آریارمن (۶۱۵ پیش از میلاد) پسرش آرشام جانشین پدر شد از آرشام نیز نوی دیگری در هگمتانه به دست آمده متن آن به خط میخی پارسی باستان می باشد.

ترجمه مفاد آن چنین است:

«آرشام شاه بزرگ شاه شاهان، شاه پارس، پسر آریارمن، شاه هخامنشی، آرشام شاه می گوید اهورامزدا خدای بزرگ که بزرگ ترین خدایان است، مرا پادشاه کرد، او به من سرزمین پارس را عطا فرمود که مردم نیک و اسب های خوب دارد، از مرحمت اهورامزدا، این سرزمین را دارا هستم، اهورامزدا مرا و خانه مرا حفظ کند، و این سرزمینی که من دارا هستم نگاه دارد.» ۲

به طوری که می دانیم، پس از آن که کیاکزار پادشاه ماد بر سرزمین پارسوماش و انشان و پارس مسلط شد به دوران سلطنت آرشام خاتمه داده شد، و با موافقت نمود که کوروش اول بر سرزمین پارسوماش و انشان حکومت کند به شرطی که تابع دولت ماد باشد.

۱. نقل به اختصار از کتاب هگمتانه ص ۸۱ - ۸۲ تألیف آقای محمد تقی مصطفوی ۱۳۳۳.

۲. از کتاب هگمتانه ص ۸۳.



سر پل زهاب، دکان داود، حجاره در تخته سنگ ایران قدیم

کوروش اول در سال ۶۰۰ پیش از میلاد، درگذشت و پسر دوش کامبیز (کمبوجیه) جانشین وی شد، پسر اول کوروش، آرو (Arur) به عنوان گروگان جنگی به نینوا فرستاده شد و احتمال داده می شود که در سرزمین آشور بدرود زندگی نموده است.

چنان که گذشت کمبوجیه با دختر پادشاه ماد آستیاز ازدواج نمود و بر اثر این وصلت است که بر شوکت و جلال و اهمیت خاندان هخامنشی افزوده گشت.^۱ و نمره این وصلت ولادت کوروش دوم (کبیر) است که به نام بنیانگذار شاهنشاهی ایران ملقب گردیده است (۵۵۰ - ۵۳۰ پیش از میلاد). درباره ولادت و هوش

پرورش و آموزش کوروش کبیر و شجاعت ذاتی و شهامت فطری این بنیان‌گذار شاهنشاهی هخامنشی مطالب و داستان‌های تاریخی فراوانی نوشته شده است و چنان‌که در تاریخ آمده است، این جوان نیرومند پارسی که مظهر عدالت و شجاعت و دادگری به شمار آمده است دارای سرگذشت و تقدیری بسیار شنیدنی و خواندنی می‌باشد و پس از بررسی و دقت در کلیه نوشتجاتی که درباره این شاهنشاه کبیر هخامنشی انتشار یافته است می‌توان کتاب «کوروش حکمران جهان» را که نگارش دکتر ولنگانگ ویلهلم آلمانی است مستندترین و مشروح‌ترین کتابی دانست که در باب دوران کودکی و پرورش این شهریار هخامنشی به رشته تحریر درآمده است. ^۱ برای علاقه‌مندان و پژوهندگان شناسایی تاریخ دوران کودکی و جوانی این شاهنشاه کبیر می‌توانند به کتاب مزبور که حاوی فصول چندی درباره آموزش و پرورش و تحصیل روحی و سلحشوری کوروش کبیر است مراجعه نمایند.^۱

۱. کتاب کوروش حکمران جهان ترجمه مهندس کریم طاهرزاده بهزاد که در تهران در سال ۱۳۴۶ به وسیله کمیته انتشارات جشن شاهنشاهی، آموزشگاه اندیشه تهران به چاپ رسیده است.

کوروش کبیر

بنیانگذار شاهنشاهی در ایران

پارسی‌ها هنگامی که آریه‌ها را از ایران نهادند در مرز این فلات، با کشور اورارتو مصادف گردیدند. تا اواخر قرن پنجم قبل از میلاد (حدود ۸۱۵ ق م) در جنوب و جنوب غربی دریاچه ارومیه (رستاق‌ها یا د فعلی) تحت تبعیت این کشور که در آن هنگام در عداد کشورهای نیرومند زمانه دولت آشور برابری می‌نمود، مستقر گردیدند. وجود اسب‌های خوب در قبایل آریایی که از مزایای خاص این نژاد می‌بود، سبب می‌گردید که دسته‌هایی از این قوم مهاجر و روستا در جاهایی متمرکز گردند که دارای مراتع خرم و سرسبز و آب و هوای معتدل و مساعد برای پرورش اسب باشد و از همین جهت مادی‌ها نیز در حوالی غربی فلات ایران، که حاصلخیز و خوش آب و هوا بود جایگزین شدند و به طوری که اشاره گردید، قیسا که با ماهی دشت امروزی تطبیق شده، با نزهت‌ترین و پربرکت‌ترین مراتع محل پرورش اسبان خوب مادی بوده است.

نخستین بار که ذکری از پارس به نام پارسوا Parsua در تاریخ ظاهر می‌گردد، در سال ۸۴۴ ق.م. نوشته شده که در جنگ خلوله مردمان «پارسواش»، «انزان» «ال لیبی»